





حیات صنعتی و افزایش منافع ملی خود، از این قاره بهره‌برداری کنند (تامسون<sup>۰</sup>، ۱۳۸۶: ۱۷). آفریقا به دلیل دارابودن منابع غنی معدنی و طبیعی، از دهه سال پیش، مقصدی مناسب برای تاراج ازسویی و تجددخواهی ازسوی دیگر بوده است؛ اما نباید سراسر این قاره را یکدست و همگن پنداشت. به عبارت بهتر، به رغم خطوط یکدست مرزی، این قاره به هیچ وجه یکپارچه و هم‌طراز نیست. در راستای پژوهش حاضر می‌توان از دو منطقه در این قاره نام برد که جایگاه مناسبی برای بروز خشونت مذهبی بوده است:

۱- قسمت شمال و شمال شرقی قاره که به شاخ آفریقا<sup>۱</sup> معروف است و شامل کشورهایی همچون مصر، مراکش، الجزایر می‌شود. در این ناحیه در چند سال اخیر، وقایع بسیاری مانند انقلاب مصر و تونس و آشوب‌های الجزایر و مراکش روی داده است که در تمامی آن‌ها جلوه‌های مذهبی پررنگ بوده است.

۲- قسمت جنوب غربی قاره که به منطقه زیر صحرا معروف است و شامل کشورهایی همچون نیجریه، کامرون، بنین و نیجر می‌شود. در این منطقه، ظهور رادیکالیسم دلایل دیگری دارد و در چهره متفاوتی نیز بروز می‌یابد.

در قسمت شمال شرقی، اکثر مسلمان خواستار حضور در صحنه سیاسی هستند و درگیری‌های بین‌مذهبی بسیار کم وجود دارد؛ اما در منطقه زیر صحرا به دلیل توازن تقریبی مسلمانان و مسیحیان، خشونت چهره برخورد مذهبی به خود گرفته است و بهمین دلیل نیز سازمان‌های بین‌المللی نگرانی بیشتری درباره این منطقه دارند (اوکپاگا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۷۶).

در بین کشورهای منطقه زیر صحرا، نیجریه وضع بسیار پیچیده و در عین حال نگران‌کننده‌ای دارد. دموکراسی در نیجریه به دلیل ناآرامی‌های اجتماعی و فرهنگی که به خصلت آن تبدیل شده است، اغلب «دموکریزی<sup>۳</sup> یا دموکراسی دیوانه» توصیف می‌شود (موندو دیپلمات<sup>۴</sup>: ۲۰۱۲/۰۴/۰۴). هم‌زمان با آغاز قرن جدید بود که گروه‌های اسلامی در این کشور مجدداً دست به خشونت زدند و پس از سکوتی چندین ساله، با چهره‌ای جدید و البته خشونت‌طلب‌تر، نظرها را به خود جلب کردند.

- 
- 5. Thomson
  - 6. Horn of Africa
  - 7. Okpaga
  - 8. Democracy
  - 9. Mondediplomo





## روش تحقیق

همان‌طورکه بیان شد، روش بهکار رفته در این تحقیق کیفی است و از تکنیک مطالعه موردنی استفاده شده است. مطالعه موردنی چنین تعریف شده است: روشی که از منابع اطلاعاتی هرچه بیشتر برای بررسی نظام‌مند افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها یا رویدادها استفاده می‌کند. مطالعات موردنی، هنگامی انجام می‌شوند که پژوهشگر نیازمند فهم یا تبیین پدیده است (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

## چارچوب نظری

در خصوص تحلیل حرکت‌های تروریستی و افراطی، نظریه‌های بسیاری ساخته و پرداخته شده است. در چارچوب سنت مارکسیستی، این حرکت‌ها که می‌توان نام جنبش را به آن‌ها داد، دربردارنده برخورد و نزاع و تقابل در جامعه است. در این سنت نظریه‌پردازی، می‌توان از یورگن هابرمانس<sup>۲۲</sup> و آلن تورن<sup>۲۳</sup> یاد کرد. البته جنبش‌های اجتماعی که در بستر فرهنگ اروپا و آمریکا ظاهر شده است، با جنبش‌های اسلامی متفاوت است؛ اما با توجه به فقر نظریه‌پردازی در خصوص جنبش‌های اسلامی، به‌گونه‌ای که این نظریات بتوانند ما را در توصیف و تبیین واقعیات یاری رسانند، بهره‌گیری از نظریات مربوط به جنبش‌های اروپایی و آمریکایی مفید خواهد بود. در بین نظریات جنبش‌های اجتماعی، نظریه آلن تورن و نظریه هابرمانس انتخاب شده است؛ از سوی دیگر، چون بوکوحرام دارای عقاید احیاگرایانه دینی است، نظریات احیاگری دینی به آن اضافه گردیده است.

- 22. Aghibbo
- 23. Jürgen Habermas
- 24. Alain Touraine









غربی است که با پسوند عربی «حرام»، جهانبینی و ایدئولوژی و خطمشی و راهبرد کامل گروه بوکوحرام را یکجا تعریف می‌کند: آموزش به سبک غربی حرام است (دانجی‌بو، ۲۰۰۹: ۷؛ آدسوجی، ۲۰۱۰: ۴۶؛ تامسون، ۲۰۱۲: ۴۶). این نام مستعار حاصل از تعالیم بنیان‌گذار آن، محمد یوسف، است. یوسف استدلال می‌کرد که آموزش و پرورش غربی چیزی جز فقر و درد و رنج برای مردم نیاورده است؛ بنابراین حرام است (اوکیاگا، ۲۰۱۲: ۸۲). به همین دلیل نیز مدارس یکی از اهداف اصلی حملات این گروه است؛ به طوری که در سال ۲۰۱۲، با حمله به ۱۲ مدرسه و به آتش‌کشیدن آنها، حدود ۱۰ هزار دانشآموز را با تهدید و حتی کشتار از مدرسه خارج کرده‌اند (آلاؤ، ۲۰۱۳: ۲)؛ اما رهبر جدید این گروه، عمرو معلوم (جانشین محمد یوسف)، در بیانیه خود تعریف رایج شده از این گروه را رد می‌کند: بوکوحرام به هیچ وجه به آن معنی نیست که رسانه‌های کافر از ما به تصویر می‌کشند (آموزش و پرورش غربی گناه است)؛ بلکه به معنی «حرام بودن تمدن غربی است». دیگر اینکه، اعتقاد ما به برتری فرهنگ اسلامی محدود به آموزش و پرورش نیست؛ بلکه فرهنگ ما گسترده‌تر است و تنها یک جزء آن آموزش و پرورش است (شبکه الجزیره انگلیسی، ۲۰۱۲).

بوکوحرام فعالیت خود را از مناطق شمال شرقی آغاز کرد؛ اما اکنون در تمامی مناطق شمالی نفوذ دارد. در تصویر زیر، مناطق تحت نفوذ بوکوحرام در سال ۲۰۱۴ با رنگ تیره مشخص شده است.



تصویر ۱. مناطق تحت نفوذ بوکوحرام

دلایل رادیکال‌شدن بوکوحرام که گروهی احیاگر و ضدmodern است، در سه اصل بررسی شده است.













سیاست، فرهنگ، اقتصاد، اجتماع، فلسفه، فرهنگ اسلامی، فلسفه اسلامی

و سلطهٔ فرهنگی استعمار به شمار می‌رفتند؛ چراکه آن‌ها دارای امکانات سرکوب‌کننده و آگاهی‌بخش بودند، بدین معنی که سلطهٔ استعمار و مدرنیسم را هم‌زمان ترویج می‌کردند. کلیساها‌ی تبشيری به آموزش که آفریقاًی‌ها آن را عامل پیشرفت استعمارگران می‌دانستند، اهمیت فراوانی می‌دادند (شکیبا، ۱۳۸۵: ۴۸). به‌همین دلیل، در همهٔ جنبش‌های اسلامی، همواره آموزش و مراکزی آموزشی است که هدف انتقاد و حمله قرار می‌گیرد. درواقع، از آنجاکه شیوهٔ آموزش استعماری در اختیار مسیحیان بود، مسیحیان از موقعیت مناسب‌تری برخوردار شدند و توانستند در امور اقتصادی و سیاسی مؤثرتر واقع شوند. لذا در اکثر کشورهای آفریقاًی، درآمدهای بیشتر و طبقات بالاتر اجتماعی در اختیار مسیحیان است و همین امر رشك سایر گروه‌های فرقه‌ای و مذهبی را بر می‌انگیزد و سبب می‌شود تا دیگران مسیحیان را ستون پنجم استعمار بدانند. تسلط مسیحیان بر ساختارهای آموزشی که می‌توان آن (آموزش) را درگاه سیطرهٔ بر منابع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تلقی کرد، موجب تقویت و تثبیت وجود تمایز و تقسیم‌بندی موجود اقتصادی و اجتماعی شده و به برتری و اولویت‌بخشیدن برخی گروه‌های نژادی که سابقه و ارتباط بیشتری با گروه‌های تبشيری داشتند، منجر شده است. بوکوحرام، رادیکال‌ترین گروه اسلام‌گرای این منطقه، نیز اولین اعتراضات و حملات خود را به نهادهای آموزشی ابراز کرد. رویدن دختران محصل آخرین اقدام سخیف این گروه برای نشان‌دادن مخالفت خود با نهادهای آموزشی به‌سبک غربی است. البته قبل از آن، در اوایل سال ۲۰۱۲، به تمامی غیرمسلمانان ساکن قسمت شمالی کشور هشدار داد تا طی ۳ روز منطقه را تخلیه کنند و در غیراین صورت به پاک‌سازی قومی مذهبی دست خواهند یازید که تهدید کارگر افتاد و مسیحیان منطقه را ترک کردند (الجزیره، ۲۰۱۲: ۴). با توجه به درصد گسترده جمعیت مسیحی در این کشور، نزاع‌های مذهبی با هزینه‌های گزارف انسانی صورت می‌پذیرد که جز نشان‌دادن تصویری خشن و غیرانسانی از اسلام، ثمرة دیگری ندارد.

### ۳. احیای حکومت اسلامی در سایهٔ حمایت اقشار مختلف: اصل عمومیت

از نظر آلن تورن، هر جنبشی همواره نمایندهٔ گروه‌های ویژه‌ای است که دارای منافع مشترک‌اند و برای برطرف‌کردن موانع ساختاری تلاش می‌کنند. هویت جنبش ساختهٔ





آورده (۲۰۱۱ به بعد) می‌توان بدین نتیجه رسید که این گروه برای تأمین نیازهای خود برای ادامه مقابله با دولت، دست به این اقدامات زده است و هدف اصلی آن‌ها اجرای احکام اسلامی در نیجریه است و نه استقرار حکومت اسلامی در دنیا. شاید اگر در دولت نیجریه گوش شناوی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف مسلمانان اعم از سیاسی، اقتصادی، مذهبی و... یافت می‌شد، امروز دولت این کشور مجبور نبود برای حل مسائل داخلی اش، دست به دامان سازمان‌های بین‌المللی شود.

این ساختار و تشکیلات که ویژگی آن را از نظر گذراندیم، به دنبال تحقق جامعه‌ای مبتنی بر شریعت اسلام است. درواقع، اصلی همگانی که بوکوحرام به آن معتقد است و مدینه فاضله‌ای که برای پیروان خود طرح می‌کند، جامعه‌ای است که در آن احکام اسلامی اجرا می‌شود. البته اسلام مدنظر این گروه مبتنی است بر تفسیرهای بهشت محافظه‌کارانه از دین، اجرای دقیق قوانین شریعت، برقراری سیستم قانونی کاملاً منطبق بر قوانین شریعت و اسلامی، آموزش اجباری آموزه‌های اسلامی و مذهبی و تعطیلی آموزش‌های مدرن و غربی، حرام‌بودن استفاده از فناوری‌ها و مدرنیزاسیون، بازگشت به اصول زندگی اسلام اولیه. نیز، این گروه بر قوانین شدیداً سخت‌گیرانه برای زنان تأکید می‌کند.

درخصوص سیاست و حکومت نیز اسلام‌گرایان از شریعت به عنوان اصول راهنمای حکومتشان حمایت می‌کنند. قانون شریعت محور اساسی در هدایت مسلمانان است و این قانون فراتر از دیگر نظامهای قانونی، روابط افراد با خودشان و همسایگان و دولت را تعیین می‌کند (تماسون، ۱۳۸۶: ۱۴۷). آنچه اکنون بوکوحرامیسم در نیجریه خوانده می‌شود، بر اسلام به مثابه بخش جدایی‌ناپذیر سیاست تأکید می‌کند و قصد تشکیل حکومتی اسلامی را در نیجریه دارد. حکومتی که باید در تمام جوانب سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی، فقط براساس آموزه‌های ابتدایی اسلامی باشد. اینکه رادیکالیسم اسلامی از دهه نود به بعد در نیجریه رشد کرده است و اکنون در بیش از سیزده ایالت این کشور قانون شریعت باید اجرا شود، ناشی از تلاش‌ها و تهدیدهای رادیکال‌ها برای برقراری حکومت اسلامی در تمام ایالت‌های این کشور است (سایوان، ۱۹۹۷).



حس زودگذر و کاذب از امنیت را فراهم می‌کند. دولت نیجریه باید تلاش برای ارائه کالاهای خدمات عمومی از قبیل آموزش و پرورش، توسعه زیرساخت‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و افزایش مشارکت شهروندان در فضای سیاسی و اجتماعی را سرلوحه مبارزه با بوکوحرام قرار دهد. ارائه معقول این محصولات اجتماعی توسط دولت، سبب خواهد شد تا تعامل سیاسی افزایش یابد و دستیابی به مشروعیت موردنیاز دولت امکان‌پذیر شود؛ بنابراین، بهبود ارائه کالاهای عمومی، گنجاندن عدالت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در تمام کشور و در یک کلمه حکمرانی خوب، مسیر پایدار برای مقابله با افراطگرایی مذهبی و تروریسم در شمال نیجریه است.



جمعیة دراسات العالم الإسلامي  
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشی یادی جهان اسلام

۱۵۳

تمثیلی جامعه شناختی بر بستر های شکل گیری و رشد افراطی گرایی ...



- Emergency in Nigeria”, *Studies in Conflict & Terrorism*, No: 37, p: 41–67.
- Aghedo, Iro (2012): “The Boko Haram Uprising: how should Nigeria respond?”, *Third World Quarterly*, Vol. 33, No. 5, pp 853–869.
- Ajayi, A(2012), “Boko Haram and terrorism in Nigeria: Exploratory and explanatory notes”, *Global Advanced Research Journal of History, Political Science and International Relations*, Vol 1, No 15, p: 103-107.
- Alao, Abiodun (2013), “Islamic radicalization and violent extremism in Nigeria”, *Conflict, Security & Development*, Volume 13, No 2, p: 127-147.
- Al Jazeera Centre for Studies (2012), “Reports: Boko Haram: Nigeria’s Extremist Islamic Sect”: [www.studies.aljazeera.net](http://www.studies.aljazeera.net) 29 February 2012.
- Anyadike, Nkechi O (2013), “Boko Haram and National Security Challenges in Nigeria”, Causes and Solutions, *Journal of Economics and Sustainable Development*, Volume 4, No 5, p: 12-24.
- Bamidele, Oluwaseun (2012): “Boko Haram CATASTROPHIC Terrorism -an Albatross to National Peace, Security and Sustainable Development in Nigeria”, *Journal of Sustainable Development in Africa*, Vol 14, No.1, p: 32-44.
- Barkindo, Atta (2013) “Join the Caravan: The Ideology of Political Authority in Islam from Ibn Taymiyya to Boko Haram in North-Eastern Nigeria”, *PERSPECTIVES ON TERRORISM*, Vol 7, Issue 3, p: 30-43.
- Danjibo, ND (2009), Islamic Fundamentalism and Sectarian Violence: The ‘Maitatsine’ and ‘Boko Haram’ Crises in Northern Nigeria, *Peace and Conflict Studies Paper Series*, Institute of African Studies, University of Ibadan.
- Gourley, Sean (2012): “Linkages between Boko Haram and al Qaeda: A Potential Deadly Synergy”, *Global Security Studies*, Vol3, Issue 3, p: 1-14.
- Marchal, Roland (2012), Boko Haram and the Resilience of Militant Islam in Northern Nigeria, Norwegian Peacebuilding Resource Centre: [www.peacebuilding.no](http://www.peacebuilding.no)
- Obi, Chidiebere (2013): “The Morality of Suicide Terrorism and Boko Haram Challenges in Nigeria”, *Journal of Arts and Humanities*, Vol 14, No 3, p: 174-191.
- Okpaga, Adagba (2012), “Activities of Boko Haram and Insecurity Question in Nigeria”, *Arabian Journal of Business and Management Review (OMAN Chapter)*, Vol 1, No 9, p: 77-99.
- Onyebuchi, Ezeani Emmanuel & Chigozie, Chilaka Francis (2013), “Islamic Fundamentalism and the Problem of Insecurity in Nigeria: The Boko Haram Phenomenon”, *Journal of Humanities and Social Science*, Vol 15, Issue 3, p: 43-53.
- Sivan, Emmanuel (1997), “Why Radical Muslims Aren’t Taking Over Government”,

Middle East Review of International Affairs, Vol 2, No 2, p: 3-9.

Thomson, Valarie (2012), "Boko Haram and Islamic Fundamentalism in Nigeria", Global Security Studies, Vol 3, Issue 3, p: 46-60.

Sampson, Isaac Terwase (2013): "The dilemmas of counter-bokoharamism: Debating state responses to Boko Haram terrorism in northern Nigeria", Security Journal, Vol 22, Issue 3, p: 105-149.

Touraine, Alain (1981), The voice and eye: an analysis of social movements. Cambridge university press: Cambridge.

Touraine, Alain (1985), "An Introduction to the Study of Social Movements", Social Research, Vol 52, No 4, pp: 749-787.

تارنما:

[www.mondediplo.com/2012/04/04nigeria](http://www.mondediplo.com/2012/04/04nigeria): Nigeria's homegrown monster: by Alain Vicky.



جمعیتی در اسناد العالم اسلامی  
Islamic World Studies Association  
فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشیهای اسلامی

۱۵۶

سال سوم ، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲